پنجشنبه ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۴
سال چهارم. شماره ۷۷۴
www.hammihanonline.ir
هم‌میهن

عده مردم ایران جمع می‌شوند و به کمک نظامی‌ها می‌آیند و آن نخست‌وزیری که کودتا کرده بود را برکنار می‌کنند. من چرا از آبراهامیان گفتم؟ برای اینکه برای ما جاانداخته‌اند که کودتاست. استدلال هم این است که خود آمریکایی‌ها و انگلیسی‌ها می‌گویند کودتاست. پس بعضی اوقات حرف آمریکایی‌ها و انگلیسی‌ها را هم قبول می‌کنید.

ملی شدن نفت به نفع انگلیس شد

می‌گویند همه چیز ملی شدن صنعت نفت مشخص است. چرا اسناد MI۶ در سال‌های ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۲ منتشر نمی‌شود و کسی به این اسناد دسترسی ندارد؟ مگر چه چیزی نوشته شده که منتشر نمی‌شود؟ من می‌گویم چرا منتشر نمی‌شود البته این حدس و تحلیل من است. آن ملی شدن صنعت نفت به نفع انگلیسی‌ها تمام می‌شود و در درگیری‌هایی که انگلیس و ایران داشتند، در نهایت با ملی شدن صنعت نفت منافع انگلیس تامین می‌شود. در قرارداد دارسی ۱۶ درصد و در قرارداد ۱۹۳۳، ایران ۲۰ درصد در سود شرکت نفت ایران و انگلیس سهیم بوده است. طبق آن قرارداد، شرکت نفت ایران و انگلیس، شامل شرکت نفت ایران و انگلیس در ایران و همه شرکت‌های تابعه در سراسر جهان می‌شود. یعنی ایران ۲۰درصد سهام همه شرکت‌های تابعه را داشته است. شما فکر کنید اگر نفت ملی نمی‌شد، در هر چیزی که بریتیش پترولیوم سود داشت، ۲۰درصدش برای ایران می‌شد. آقای منوچهر فرمانفرمائیان می‌گوید من رفتم به مصدق گفتم. این ملی شدن به ضرر انگلیس نبوده است. منوچهر فرمانفرمائیان می‌گوید وقتی ملی شدن صنعت نفت در اسفند ۱۳۲۹ به تصویب می‌رسد و بعد از آن مصدق نخست‌وزیر می‌شود، رئیس شرکت نفت ایران و انگلیس در ایران یک ضیافتی را در سفارت انگلیس می‌گیرند. فرمانفرمائیان می‌گوید من آنجا این آقا را دیدم و گفتم نظرت درباره ملی شدن صنعت نفت چیست؟ می‌دانید چه جوابی می‌دهد؟ می‌گوید این دست اول را ما بردیم. به این حرف‌ها توجه کنید و مرتب داستان‌ها را تکرار نکنید و بگویید کودتا شد. همانطور که گفتم کودتا از نظر سیاسی معنا و مفهوم دارد. در اینکه شاه با فشار آمریکایی‌ها مصدق را برکنار می‌کند شکی نیست. شاه می‌گوید اگر از نظر قانون اساسی مشروطه همه شرایط فراهم شود من این کار را نمی‌کنم، یعنی تا زمانی که مجلس دایر است من این کار را نمی‌کنم. وقتی مصدق مجلس را منحل می‌کند، شاه فرمان عزل مصدق را صادر می‌کند. این را بگویم که شاه هم به شدت طرفدار ملی شدن صنعت نفت بود و مخالفتی با آن نداشت و می‌گفت تنها کسی که می‌توانست این کار را انجام دهد مصدق است چون مصدق طرفدار دارد.

میراث شوم برای ایران

این داستان چه موضوعیتی برای امروز ما دارد؟ من چرا امروز آمدم و درباره مصدق حرف زدم؟ زیرا میراث مصدق میراث شوم و بدیمنی برای ایران و مشروطه بود. من بارها گفته‌ام، مصدق یک فرهنگ سیاسی را در ایران رایج کرد که بعد از رفتنش به شدت توسط طرفدارانش دنبال شد و نهایتاً منتهی به انقلاب ۵۷ شد. اگر در سال ۵۷ امام خمینی رهبری انقلاب را به‌دست نمی‌گرفت و انقلاب دست چپ‌ها می‌افتاد، مطمئن باشید که امروز از ایران چیزی باقی نمانده بود. امام خمینی نقش تاریخی بزرگی در ایران داشت و آن هم این بود که مانع از قدرت گرفتن چپ‌ها شد. البته تردیدی در این نیست که اوضاع بعدها تحت تاثیر آنها قرار گرفت. قانون اساسی که در سال ۵۸ تصویب شد، خیلی روشن است از نظر اقتصادی ربطی به اسلام ندارد.

سنت سیاسی مصدق در ایران

آن سنت سیاسی که مصدق در ایران رایج می‌کند، چیست؟ اول این است که هرگونه توافقی با بیگانگان به معنی تسلیم شدن به خواسته آنان است. دوم اینکه مخالف من، دشمن استقلال کشور است. مصدق همیشه این را تکرار کرد و این حرف‌ها را یارانش هم تکرار کردند. سوم اینکه همه مشکلات سیاسی و اقتصادی ایران ناشی از سوءنیت و توطئه بیگانه‌هاست. امروز غیر از این را می‌بینیم؟ مورد چهارم تبدیل سیاست به مسئله حق و باطل است که باعث غفلت از منافع ملی می‌شود. ما امروز می‌گوییم انرژی هسته‌ای حق مسلم ماست، مصدق آن موقع می‌گفت نفت حق مسلم ماست. سیاستمدار درباره حق و باطل حرف نمی‌زند، درباره منافع ملی در حد امکانات حرف می‌زند. حق و باطل برای آن دنیاست. سیاست پنجم مصدق نادیده انگاشتن کارهای کارشناسی و اعتماد صرف به خودی‌هاست. گفتم که منوچهر فرمانفرمائیان فامیل خودش است، کارشناس نفت بود، حرف او را گوش نداد اما رفت حرف کاظم حصیری را گوش داد که هیچ چیز از اقتصاد نمی‌دانست. گرفتاری امروز ما همین است؛ گرفتاری‌ای که میراث مصدق است. ششمین مورد این است که از نظر مصدق نهادهای سیاسی مهم نیستند، فقط مطبوعات عمومی و نظر مردم مهم است. این دموکراسی است؟ این پوپولیسم است. احمدی‌نژاد مگر چه می‌گفت؟ مرتب می‌گفت مردم این را می‌خواهند. نکته هفتم در سیاست‌های مصدق، قانون‌شکنی به بهانه مصلحت سیاسی است. خودش در زمانی که نماینده مجلس بود، با دادن اختیارات قانونگذاری به نخست‌وزیر مخالف بود و می‌گفت خلاف قانون است اما وقتی خودش نخست‌وزیر بود، یک سال و نیم آن را با اختیارات قانونگذاری نخست‌وزیری کرد. در خاطراتش می‌نویسد که دادن اختیار به نخست‌وزیر خلاف قانون است مگر اینکه به مصلحت باشد. مصلحت را چه کسی تعیین می‌کند؟ مصلحت را همان آدمی تعیین می‌کند که قانون‌شکنی کرده است. امروز هم تمام بحث‌ها و تصمیمات غلطی که در مملکت ما از نظر سیاسی گرفته می‌شود، به بهانه مصلحت است. ما یک مجمع تشخیص مصلحت نظام داریم، این کاملاً خلاف منطق دموکراسی است. الان نگاه کنید خود مجمع تبدیل به یک مرجع قانونگذاری شده است.

نگاه غالب سیاسی در دوره مصدق

در ادامه این جلسه محمد مهدی مرادی خلج نیز در پاسخ به سخنان غنی‌نژاد و طرح موضوع جلسات، چنین تصریح کرد: با بحث‌هایی که آقای دکتر ارائه کردند، من نمی‌دانم حرف‌هایم را با مباحث ایشان شروع کنم یا بحث خودم را ارائه دهم. فکر می‌کنم روندی را از بحث ملی شدن صنعت نفت عرض کنم و شاید بعداً بتوان به فرمایشات آقای دکتر پرداخت.

ایران سهام نداشت

درباره فرمایشات آقای دکتر، به صورت اجمال بخواهم اشاره‌ای داشته باشم، می‌توانم این نکته را درباره بحث قراردادهای شرکت نفت ایران و انگلیس و بحث سود و سهام اشاره کنم. برخی از داده‌هایی که آقای دکتر در این جلسه مطرح کردند، چندان دقیق نبود. به عنوان مثال، در قرارداد ۱۹۰۱ یعنی سال ۱۲۸۰ شمسی، ایران ۱۵ درصد از سود فروش نفت بهره می‌برد، ولی سهام نداشت. همچنان در سال ۱۹۳۳ هم ۲۰ درصد از سود بهره می‌برد و در اینجا هم سهامی وجود ندارد. قراردادها سه‌گونه هستند. قرارداد ۱۹۰۱ و ۱۹۳۳ از نوع قراردادهای امتیازی بود که در اولی ۱۵ درصد سود و در دومی ۲۰ درصد سود قرار داده شده بود. قرارداد کنسرسیوم، مشارکتی است. یک نوع قرارداد هم خریدنی است. آن دو قرارداد همینطور که اشاره کردم امتیازی بود. حاصل این قراردادها چه بود؟

دولت ناگزیر به ورود بود

حاصل این قراردادها این است که میزان درآمد و بهره‌وری ایران از این منبع عظیم، بسیار کمتر از مالیاتی است که این شرکت به دولت انگلیس می‌دهد. برای اینکه حرفم را مستند کرده باشم، عنوان را می‌دهم و سراغ بحث بعدی خواهم رفت زیرا اگر بخواهم به فرمایشات آقای دکتر بپردازم، فکر می‌کنم از بحث اصلی دور خواهم شد. در جدول درآمد و هزینه شرکت نفت انگلیس و ایران در بازه زمانی سال‌های ۱۳۱۱ تا ۱۳۲۸ شمسی، درآمد خالص به ۸۹۵ میلیون شیلینگ رسید. مالیات پرداختی به دولت انگلیس ۱۷۵ میلیون شیلینگ و درآمد پرداختی به دولت ایران، ۱۰۵ میلیون شیلینگ بود. این اعداد را چرا اشاره کردم؟ از این باب که ما باید قصه نفت را به عنوان یک ثروت ملی نگاه کنیم و همچنین اینکه امکان استخراج آن، توسط بخش خصوصی در آن روزگار در ایران نبود، پس ناگزیر دولت باید وارد شود.

نگاه غالب سیاسی

دولت که اینجا دولت ملی مصدق است، یک تاریخ بلندی را تجربه کرده است و براساس آن تاریخ، دنبال راه گریزی است که بیش از این منافع کشور قربانی نشود. این تاریخ بلند، یک چیز را به مصدق و دیگران از باب تجربه خودشان و هم از باب بهره‌گیری از هزار گفتمان غالب سیاسی در دنیای آن روز نشان داده است. در آن زمان، نگاه غالب سیاسی دنبال منافع عامه بود، نگاهی نبود که عین‌گرا و نخبه‌گرا باشد. این نگاه غالب سیاسی، منافع ملی را در پرتو میزان بهره‌وری مردمان عادی یعنی ملت تعریف می‌کرد.

مقایسه می‌کردند

سال ۱۹۰۱، اولین قرارداد امتیازی، سال ۱۹۳۳ دومین قرارداد امتیازی و سال ۱۳۲۶ یعنی ۱۹۴۸ میلادی تحت عنوان لایحه الحاقی گس-گلشاییان امضا می‌شود. همان قراردادی که آقای دکتر مدافعش هستند که رزم‌آرا آن را طرح می‌کند. ده روز مانده به عمر مجلس پانزدهم، این را به مجلس فرستادند؛ نماینده‌های مجلس با استفاده از یک قاعده آیین‌نامه‌ای، سعی کردند آبستراکسیون کنند، یعنی مجلس را از اکثریت بیاندازند تا این چند روز هم بگذرد و بعد تصمیم بگیرند. دولت رزم‌آرا این را به مجلس شانزدهم می‌آورد. آنجا بحث، افزایش سود ایران از همان فروش به میزان ۴۰درصد است. توجه کنید که ما تقریباً همزمان با این، در ونزوئلا و یک سال بعد در سال ۱۳۲۹ در عربستان قرارداد ۵۰-۵۰ داشتیم. پس ما تا ۱۷ اسفند ۱۳۲۹ که کمیسیون نفت، مرکب از ۱۸ نفر تصویب می‌کند که نفت ملی شود؛ توجه به این داشتند که این همسایه‌ها که مثل ما نفت دارند، این وضعیت را دارند و دست به مقایسه می‌زدند. تا ۱۷ اسفند ۱۳۲۹، هر سه قسمت کشف، استخراج و فروش نفت ایران در اختیار انگلیس بود و ایران در آنجا نقشی نداشت. در قرارداد ۱۹۰۱ و ۱۹۳۳ در هیچ کدام از آنها ایران حق کنترل میزان فروش را ندارد. رضاشاه چون آن قرارداد را پاره کرد و گفت اعتبار ندارد، باید بالاخره یک کاری می‌کرد و میزان بهره‌وری از سود را ۲۰ درصد کرد. به این نکته توجه کنید که ما حداقل، ۲۰ سال جلوتر از عربستان نفت را شناسایی کردیم و سراغ اکتشاف رفتیم. سال ۱۹۰۸ اولین چاه نفت ما در مسجد سلیمان فواره می‌زند.

محمدمهدی مرادی‌خلج:
دولت که اینجا دولت ملی مصدق است، یک تاریخ بلندی را تجربه کرده است و براساس آن تاریخ، دنبال راه گریزی است که بیش از این منافع کشور قربانی نشود. این تاریخ بلند، یک چیز را به مصدق و دیگران از باب تجربه خودشان و هم از باب بهره‌گیری از هزار گفتمان غالب سیاسی در دنیای آن روز نشان داده است در آن زمان، نگاه غالب سیاسی دنبال منافع عامه بود، نگاهی نبود که عین‌گرا و نخبه‌گرا باشد. این نگاه غالب سیاسی، منافع ملی را در پرتو میزان بهره‌وری مردمان عادی یعنی ملت تعریف می‌کرد

بحث درباره طهماسبی محل نزاع است

ما با یک سلسله قراردادهای امتیازمحور روبه‌رو هستیم که آخرین آن مرحوم رزم‌آرا بود که خودش مجلس شانزدهم را ساخته و با عنوان رئیس ستاد ارتش دخالت کرده و کوشش کرده است تا مجلسی دست‌آموز درست کند، چون داعیه داشت. اینجا یک پرانتز باز کنم. فرمایش آقای دکتر راجع به خلیل طهماسبی، بحث محل نزاعی است. تفنگی هم که به آقای رزم‌آرا شلیک شده، منحصراً در اختیار ارتش بوده است. خلیل طهماسبی هم در محاکمه دومش پس از کودتا می‌گوید من این کار نکردم، پس این بحث خیلی راحت نیست.

آبراهامیان خطاهای فراوانی دارد

درباره آبراهامیان هم که آقای دکتر به آن اشاره داشتند، این موضوع را بگویم که من کتابش را در دوره کارشناسی معرفی می‌کردم اما قبلاً هم گفته‌ام که آبراهامیان خطاهای فراوانی هم دارد. بله ایشان توده‌ای و فعال بوده است و من با آقای دکتر هم در این مورد همراه هستم که کتاب‌هایش به‌وفور چاپ می‌شود و در دسترس است. البته این به وفور چاپ شدن کتاب هم به علت خوب بودن کتاب نیست بلکه به این علت است که فضای فرهنگی ما بسته است و کسی که داخل است نمی‌تواند به راحتی بنویسد و اگر هم بخواهد بنویسد، فراوان گرفتاری خواهد داشت تا به چاپ برسد. کتاب شیراز در دوران نهضت ملی شدن نفت را که من نوشتم، ۱۳ سال پشت خط جواز مانده بود. کتابی که به نظر خودم هم هیچ ایرادی نداشت و فقط یکسری کلیات در آن مورد اشاره قرار گرفته بود و به همان اندازه می‌توان کتاب نوشت. من فقط خواستم یک افق عمومی برای خواننده ایجاد کنم که بعداً دنبالش برود و ببیند ماجرا چیست. لذا آبراهامیان چیزهایی را در فضایی که می‌تواند، مورد اشاره قرار داده است. دیگران هم اینطور هستند، محمدعلی همایون‌کاتوزیان هم وقتی آن طرف می‌رود، کتاب می‌نویسد. آقای فخرالدین عظیمی هم که کتاب بحران دموکراسی در ایران را می‌نویسد، آن هم اینطور است.

گفتمان غالب قوی بود

با توجه به اینکه ایران منافع زیادی را که از قبل این نعمت خدادادی می‌توانست بهره ببرد را از دست داده بود و باید یک جایی جلوی این را می‌گرفت، در آن روزگار، آن گفتمان غالب که مورد اشاره قرار دادم که نگاه به توده‌ها، مردم و خواست عامه بود؛ مسیر را به اینجا کشانده بود. برنامه اول مصدق که ۲ ماده و برنامه دوم که ۹ ماده دارد، همین نکته‌ها را می‌گوید. اولی بحث انتخابات و ملی کردن نفت است که چون در دولت اولش محقق نمی‌شود، در دولت دوم دوباره بحث انتخابات را به عنوان یکی از موارد ۹گانه می‌آورد. این گفتمان غالب، چنان قوی است که حتی جریان‌های مسلمان دلسوز دغدغه‌مند را هم به سمت خودش می‌کشد؛ به طوری که می‌بینیم یک گروهی مثل سوسیالیست‌های خداپرست که افرادی مانند مرحوم محمد نخشب در آن عضو بودند هم همین حرف را می‌زنند. من با افرادی که در بین آنها بودند، حرف زدم. جوی که وجود داشته این بوده است که ما با اندیشه سوسیالیستی به معنای اجتماعی آن، شاخص عملکرد دولتمردان و داوری عملکرد دولتمردان را باید بالا ببرم و براساس میزان منفعت‌رسانی به عامه مردم حرکت کنیم و این روند تا انقلاب ۵۷ ادامه داشت.

اسلام مدل خاص ندارد

درباره بحثی که آقای دکتر درباره بعد از انقلاب و قانون اساسی و اقتصاد گفتند، این موضوع را اشاره کنم که من کمی با اسلام آشنایی دارم، اسلام هیچ مدل خاصی در سیاست و اقتصاد ندارد بلکه فقط یک روند کلی را دارد و به من و شما بشر واگذار شده است. اسلام یک مکتب فکری و روند کلی است، علم نیست.

مولفه‌های مبنایی ملی شدن نفت

با دو نوع مولفه روبه‌رو بودیم که مولفه‌های حفظ منافع عمومی در بهره‌وری از منابع خدادادی و دوم خواست عموم بود؛ مولفه‌هایی که مبنایی برای بحث ملی کردن نفت است. بله نفت دولتی شد اما آیا راهی غیر از دولتی شدن آن وجود داشت؟ این را بعداً آقای دکتر توضیح دهند.

حربه‌های انگلیس پس از ملی شدن نفت

تحرکاتی که انگلیس بعد از ملی شدن صنعت نفت انجام داد را هم باید در نظر داشت. از فروردین ۱۳۳۰ تحرکات انگلیس چه در بُعد برخورد با کارگران و چه در شاخ و شانه کشیدن برای ایران شروع می‌شود. یازده کشتی انگلیس که چهارتای آن در منطقه سرزمینی ایران قرار داشت، آماده کرده بود. آخرین حربه هم تحریم بود؛ تحریمی که فقط دو کشور آن هم در سال ۳۱ حاضر بودند به میزان اندکی از نفت ما را بخرند. مصدق در اینجا چه کار می‌کند؟ سراغ صادرات غیرنفتی می‌رود و میزان صادرات غیرنفتی در دوره مصدق برخلاف دوره‌های قبل مثبت می‌شود که آمار همه آنها هم وجود دارد.

مصدق و نظام دوگانه

مشکل مصدق این بود که در نظامی قرار داشت که دچار دوگانگی بود. این دوگانگی، نوعی دوگانگی غیرکارکردی بود. دوگانگی‌ها خیلی از اوقات مفید هستند اما آنجا مفید نبود. من و شما دو مورد هستیم ولی اگر یک محوری را بگیریم و در این راستا باشیم که به‌دنبال آن محور برویم و ببینیم واقعیت قصه چیست، کمک خواهیم کرد ولی اگر دنبال تخریب هم باشیم، به جایی نخواهیم رسید. در ایران روزگار مصدق، شاه چندان با مصدق همراه نبود. این نکته را هم باید توجه کنید که شاه یک جوان ۲۲ ساله بود که کارش را آغاز کرد و مصدق از او ۳۷ سال بزرگتر بود. البته این تنها مربوط به مصدق نبود و تقریباً تمام نخست‌وزیران شاه هم بدون استثنا سن و سال‌شان از او بیشتر بود.

مجلس با وزیر راه حرفه‌ای برخورد کند

فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت در حاشیه جلسه هیئت دولت درباره طرح احتمال آسیب به کالاهای اساسی در پی حادثه بندر شهید رجایی، اظهار کرد: «هیچ‌کدام از محموله‌هایی که از سوی شرکت بازرگانی دولتی وارد شده، آسیب ندیده است.»

استیضاح ابزار سیاسی نشود

سخنگوی دولت در پاسخ به پرسشی درباره دیدگاه دولت در زمینه طرح استیضاح وزیر راه در مجلس، گفت: «به همان اندازه که استیضاح حق مجلس است انتظار داریم از این ابزار استفاده سیاسی نشود، همانگونه که وزارت اقتصاد وزیر خود را از دست داد. البته الان سرپرست این وزارتخانه کار را به خوبی پیش می‌برد. امیدواریم نسبت به وزارت راه، اما برخورد حرفه‌ای انجام شود.»

احتمال خرابکاری رد شد

سخنگوی دولت با تأکید بر لزوم شفاف‌سازی درباره حادثه بندر شهید رجایی، گفت: «طبق گزارش‌های اولیه، احتمال خرابکاری رد شده و تحقیقات برای تعیین علت اصلی ادامه دارد. محرم‌تر از مردم نداریم و هیچ‌گونه سانسور خبری در میان نیست. وظیفه دولت شفاف‌سازی است و این مسیر با جدیت ادامه خواهد داشت.» وی افزود: «با توجه به اهمیت موضوع، مقرر شد اطلاع‌رسانی درباره جزئیات حادثه، به‌ویژه تعداد جانباختگان و ابعاد آن، به صورت دقیق و متمرکز انجام شود.» مهاجرانی تصریح کرد: «تا این لحظه، احتمال خرابکاری رد شده و قصور انسانی به‌عنوان یکی از احتمالات در دست بررسی است. با این حال، برای هرگونه اظهارنظر قطعی، باید منتظر تکمیل تحقیقات ماند.» وی با بیان اینکه در جلسه امروز هیئت دولت گزارشی از وقایع هرمزگان و نحوه مدیریت آن از سوی وزرای کشور و راه ارائه شد، افزود: «در این جلسه، موضوع رسوب کالاها تا حدود ۱۸ سال در گمرک نیز مطرح شد و رئیس جمهوری دستور داد این موضوع با دقت بررسی، فرایندها بازبینی و علت وقوع چنین اتفاقی مشخص شود.» مهاجرانی یادآور شد: «نکته‌ای وزیر بهداشت در این زمینه مطرح کرد که باتوجه به استقرار تیم‌های حرفه‌ای بهداشت محیط در منطقه حادثه بندر رجایی و با در نظر گرفتن دود و گاز ناشی از حادثه در منطقه اعلام شده هیچ‌گونه آلودگی شیمیایی و محیطی در مناطق مسکونی وجود ندارد اما افراد برای ورود به منطقه حادثه باید از ماسک‌های مخصوص استفاده کنند.» سخنگوی دولت گفت: «رئیس جمهوری دستور داد رسیدگی به وضعیت خانواده‌های آسیب‌دیدگان از سوی وزارت کار انجام شود. وزیر کار مامور شد وضعیت آنان را بررسی کند تا خسارت‌ها جبران شود.» مهاجرانی یادآور شد: «آغاز به کار بندر رجایی پس از روز حادثه از دیگر نکات مهم بود که با وجود آسیب دیدن بخشی از بندر، فعالیت آن ادامه دارد و گمرک نیز به‌شدت فعال است و هیچ مشکلی در این زمینه وجود ندارد.»

سخنگوی دولت با یادآوری اینکه هیچ‌کدام از محموله‌های شرکت بازرگانی دولتی دچار آسیب نشده‌اند، گفت: «در عین حال شرکت‌ها و سازمان‌های متولی به زیرمجموعه‌های خود فراخوان داده‌اند تا هرگونه خسارت وارده را اعلام کنند. وزارت صنعت، معدن و تجارت، کشاورزی، و بهداشت، از جمله مجموعه‌هایی هستند که شرکت‌های تابعه آن‌ها مشمول این فراخوان می‌شوند.» وی ادامه داد: «همچنین در جلسه امروز هیئت دولت، تخصیص مجدد ارز به شرکت‌های آسیب‌دیده در حادثه اخیر نیز مطرح شد که از سوی بانک مرکزی انجام می‌شود اما تشخیص و تخصیص و اولویت‌بندی شرکت‌ها بر عهده وزارت صنعت، معدن و تجارت است.»

سخنگوی دولت با اشاره به تصمیم دولت مبنی بر ممنوعیت احداث پتروشیمی میانکاله، گفت: «دولت تصمیمات لازم را اتخاذ کرده است. وزارت جهاد کشاورزی مکلف به پس گرفتن زمین‌ها و برگرداندن آن به اراضی ملی شده است و مراحل کار در حال انجام است.»

از پیامک‌های حجاب بی‌اطلاعم

وی با اشاره به موضوع حجاب، این امر را فرهنگی و تربیتی دانست و افزود: «در این زمینه با اقدامات سلبی نمی‌توانیم به نتیجه برسیم. قبلاً هم اعلام کرده‌ایم که دولت قرار نیست در مقابل مردم قرار گیرد.» مهاجرانی در پاسخ به پرسشی درباره ارسال پیامک‌های حجاب، تصریح کرد: «از این موضوع بی‌اطلاع هستم اما آن را پیگیری خواهیم کرد.»